



روضه کوتاه آیت‌الله ضیاءآبادی برای امام کاظم(ع)

اگهان روز بیست و پنجم ماه رجب دیدند در زندان باز شد و یک جنازه بیرون آمد، در حالی که چهار نفر آن را روی دوش گرفته‌اند. وقتی عموی هارون باخبر شد، دید این کار حتی برای سیاست هارون نیز صحیح نیست.

ناگهان روز بیست و پنجم ماه رجب دیدند در زندان باز شد و یک جنازه بیرون آمد، در حالی که چهار نفر آن را روی دوش گرفته‌اند. وقتی عموی هارون باخبر شد، دید این کار حتی برای سیاست هارون نیز صحیح نیست.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، در شب شهادت امام موسی کاظم علیه‌السلام، روضه کوتاهی از آیت‌الله سیدمحمد ضیاءآبادی از اساتید برجسته اخلاق منتشر می‌شود:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُوسٰى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْاَبْرَارِ وَ اِمَامِ الْاَخْيَارِ الَّذِي كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ اِلَى السَّحَرِ بِمُوَاصَلَةِ الْاِسْتِغْفَارِ

چهار یا هفت یا چهارده سال از این زندان به آن زندان منتقلش کردند. دوستانش شنیده بودند که همین روزها امام (ع) را آزاد می‌کنند. می‌آمدند پشت دیوار زندان می‌ایستادند و در کوچه‌ها می‌نشستند و انتظار می‌کشیدند تا کی شود امامشان را زیارت کنند.

ناگهان روز بیست و پنجم ماه رجب دیدند در زندان باز شد و یک جنازه بیرون آمد، در حالی که چهار نفر آن را روی دوش گرفته‌اند. وقتی سلیمان، عموی هارون باخبر شد، دید این کار حتی برای سیاست هارون نیز صحیح نیست! دستور داد پسرانش رفتند و پیکر را گرفته و اعلام کردند تا اینکه مردم برای تشییع آمده و با جلالت تمام امام هفتم را دفن کردند.

اما در کربلا، روز عاشورا چه کردند؟ ساعت آخر روز، صدای تکبیر از لشکر دشمن بلند شد، چه شده است؟! نگاه کردند دیدند رأس مطهر امام حسین(ع) بالای نیزه است.

صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَانَا، يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَيْنِ